

چشم‌اندازی بر عضویت هند در سازمان همکاری شانگهای،

فرصت‌ها و چالش‌ها

محمدصادق کوشکی*

استادیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

سید محمود حسینی

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۲۸ ° تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۱/۲۷)

چکیده

سازمان‌های منطقه‌ای راهی برای دستیابی به منافع راهبردی کشورها هستند که بر پایه هدف‌ها و منافع مشترک کار می‌کنند. امروزه سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یک سازمان مهم منطقه‌ای مطرح است. سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ با حضور کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان به‌وجود آمد. هند همواره خواستار عضویت دائم در این سازمان بوده است. پرسش اصلی این نوشتار این است که هدف‌ها و منافع هند از عضویت در سازمان همکاری شانگهای چیست؟ این نوشتار ضمن توجه به زمینه‌های تکامل سازمان همکاری شانگهای، برای عضویت دائم هند در این سازمان منافی را برمی‌شمرد که برای این کشور فرصت است. جدا از این فرصت‌ها، چالشی‌هایی برای دستیابی هند به این مهم وجود دارد که به آن‌ها نیز پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها

آسیای مرکزی، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان همکاری شانگهای، منافع راهبردی، هند.

* E-mail: m.s.koushki@ut.ac.ir

مقدمه

در جهان در حال یک‌پارچه‌شدن، چندجانبه‌گرایی^۱ جزء ضروری و ذاتی نظم جهانی جدید است و بر موضوع‌هایی تکیه دارد که در آن‌ها منافع مشترک آشکار در اجتماع بین‌المللی قابل شناسایی است (لین، ۱۳۸۷: ۶۳۷). بنابر گفته جان جی راگی^۲، چندجانبه‌گرایی شکلی نهادینه و رسمی است که روابط همگرا میان سه یا چند کشور را بر پایه اصول و مؤلفه‌های مشترک بدون در نظر گرفتن منافع وابسته به جناح‌ها یا گروه‌بندی‌های ویژه و یا پیشامدهای راهبردی در موقعیت‌های منحصر به فرد در نظر می‌گیرد (Ruggie, 1993: 11). امروزه در نظم جهانی جدید از نظر افکار عمومی، چندجانبه‌گرایی مشروع و مؤثرترین راه برای گذار به فراملی‌گرایی است. یکی از گرایش‌ها در نظم جهانی جدید در بهبود چندجانبه‌گرایی، ظهور سازمان‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا^۳، سازمان کشورهای جنوب شرق آسیا^۴، سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیای پاسیفیک^۵، سازمان کشورهای آمریکایی^۶، سازمان همکاری شانگهای^۷ و مانند آن بوده است. دلیل اصلی ظهور سازمان‌های منطقه‌ای این است که امروزه کشورها تشخیص داده‌اند که این سازمان‌ها، راهی برای تأمین امنیت منطقه‌ای با هدف حل مشکلات امنیتی از راه ایجاد نهادهای جمعی بر پایه ارزش‌ها و هدف‌های مشترک هستند (Dutta, 2011: 494). همچنین سازمان‌های منطقه‌ای راهی برای دستیابی به منافع راهبردی در منطقه هستند که بر پایه هدف‌های مشترک کار می‌کنند. سازمان همکاری شانگهای نیز از این‌گونه سازمان‌ها است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Multilateralism
2. John G. Ruggie
3. European Union
4. Association of South East Asian Nation
5. Asia Pacific Economic Cooperation
6. Organization of American State
7. Shanghai Cooperation Organization

روند تکامل سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ با حضور شش کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان تشکیل شد. به تدریج اعضای این سازمان افزایش پیدا کردند.^۱ هم‌اکنون، کشورهای هند، پاکستان، جمهوری اسلامی ایران، مغولستان و افغانستان پنج عضو ناظر این سازمان و سه کشور روسیه سفید، سریلانکا و ترکیه شرکای گفت‌وگوی^۲ این سازمان هستند. امروزه سازمان همکاری شانگهای همانند سازمان‌های بین‌المللی دیگر تأکید دارد که این سازمان تهدید خارجی یا قدرتی معارض علیه غرب یا آمریکا نیست و بر حفظ امنیت داخلی اعضا و همگرایی اقتصادی داخل و خارج از منطقه تکیه دارد. با وجود این، تعداد زیادی از تحلیل‌گران غربی، سازمان همکاری شانگهای را مجموعه‌ای ضدغربی و ضدآمریکایی و یا ابزار ضدغربی دو کشور روسیه و چین برای دستیابی به موازنه متقابل با قدرت ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای پاسیفیک در نظر می‌گیرند (Kumar, 2013: 344). این تحلیل زمانی که سازمان همکاری شانگهای در نشست آستانه (۲۰۰۵) از ایالات متحده آمریکا خواست که پایگاه‌های خود را در آسیای مرکزی تخلیه کند و از حمایت‌های خود از انقلاب‌های رنگی منطقه دست بردارد، تقویت شد. کشورهای غربی همچنین از تعامل سازمان همکاری شانگهای با کشورهای مانند ایران ابراز نگرانی کرده‌اند (Rothacher, 2008: 68). بنابراین، آمریکا و بعضی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، سازمان همکاری شانگهای را سازمانی علیه منافع غرب و عرصه‌ای غیردموکراتیک می‌دانند که تهدیدی علیه منافعشان در منطقه است.

عامل اصلی ایجاد سازمان همکاری شانگهای را باید به حل چالش‌های امنیتی کشورهای نواستقلال پس از فروپاشی اتحاد شوروی مربوط دانست. این کشورها پس از استقلال دریافتند که نمی‌توانند به صورت یک‌جانبه با گسترش سازمان‌ها و فعالیت‌های تروریستی، افراط‌گرایی مذهبی و فعالیت گروه‌های جدایی طلب مقابله کنند. به همین دلیل به چندجانبه‌گرایی و ایجاد سازمان همکاری شانگهای روی آوردند (Yuan, 2010: 861). ارزش‌های مشترک سازمان همکاری شانگهای بر کار جمعی علیه سه محور چالش‌برانگیز تروریسم، گروه‌های جدایی طلب و افراط‌گرایی تمرکز دارد. همچنین مبارزه و جنگ علیه گروه‌های تروریستی مانند القاعده و

۱. سازمان همکاری شانگهای از نظر جغرافیایی از منطقه قطب شمال تا اقیانوس هند و از کالینینگراد تا شانگهای کشیده شده است. شش عضو دائم این سازمان نزدیک به ۶۰ درصد وسعت منطقه اوراسیا و حدود یک‌سوم جمعیت دنیا را به خود اختصاص داده‌اند (Koolae and Tishehyer, 2013: 43).

2. Dialogue partners

گروه‌های وابسته به طالبان را در دستور کار دارد (Boland, 2011: 8). از سوی دیگر، اعضای سازمان همکاری شانگهای بر این باورند که افزایش تعامل در این سازمان به بهبود و گسترش تجارت از راه مرزهای ملی و منطقه‌ای کمک می‌کند. کشورهایی مانند چین و روسیه می‌توانند از نتیجه عملکرد این سازمان شکل سیاست داخلی‌شان را از دید جهانیان، مشروع جلوه دهند و ابزاری برای توازن و رقابت با هژمونی آمریکا در مناطقی چون آسیای شرقی، آسیای مرکزی و جنوب آسیا فراهم آوردند. از دید تحلیل‌گران، کشوری مانند چین که ابتکار عمل را در ایجاد و هدایت سازمان منطقه‌ای شانگهای به عهده گرفته، خواستار تثبیت نقش رهبری خود در منطقه با هدف توسعه اقتصادی - اجتماعی (امنیت انرژی و ثبات اجتماعی داخلی این کشور) است (Norling and Swanstrom, 2007:430).

درواقع، باید پایه‌های ایجاد سازمان همکاری شانگهای را به تشکیل گروه شانگهای پنج که در آوریل ۱۹۹۶ میان چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به وجود آمد، مربوط دانست (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۲). این گروه در ابتدا برای غیرنظامی کردن و تعیین مرزهای میان روسیه، قزاقستان و تاجیکستان به وجود آمد و اقدام‌های اعتمادساز را برای حل منازعات مرزی میان اعضا در دستور کار قرار داد. در این زمینه این سازمان توافق‌نامه افزایش اعتماد نظامی در مناطق مرزی^۱ را امضا کرد. این همکاری موفقیتی بود که نزدیک به ۳۰۰ کیلومتر از نقاط مرزی به‌سوی غیرنظامی شدن پیش می‌رفت و منازعات مرزی میان دو طرف با اعتمادسازی متقابل برطرف می‌شد (Matveeva and Antonio, 2008: 4).

پس از حل منازعات مناطق مرزی در سال ۱۹۹۸، بیانیه آلماتی زمینه و بستر گسترش همکاری‌ها را در حوزه‌هایی مانند مبارزه با گروه‌های جدایی طلب نژادی، بنیادگرایی مذهبی، تروریسم بین‌الملل، قاچاق تسلیحات و مواد مخدر و دیگر فعالیت‌ها در نقاط مرزی گسترش داد (Norling and Swanstrom, 2007: 431). رئیس‌جمهور چین، جیانگ زمین در سال ۲۰۰۰ پیشنهاد ایجاد هویتی جدید را برای این همکاری چندجانبه ارائه داد. پس از آن در ژوئن ۲۰۰۱ گروه شانگهای پنج به سازمان همکاری شانگهای تغییر نام داد و اعضا تصمیم گرفتند تا ازبکستان را نیز به‌عنوان ششمین عضو سازمان بپذیرند. در سال ۲۰۰۳، سازمان همکاری شانگهای رونق تجارت و توسعه را در دستور کار خود قرار داد و با پذیرش برنامه توسعه و

1. Border Regions Military Trust in Treaty on Deepening

تجارت چندجانبه، این رویکرد را جزو هدف‌ها و اولویت‌های خود برگزید. در سال ۲۰۰۴ نیز در نشست تاشکند، طرح اقدام‌های منطقه‌ای برای همکاری‌ها و تبادلات انرژی در دستور کار قرار گرفت. در همین نشست دبیرخانه دائمی سازمان (در پکن) به وجود آمد. در نشست آستانه در سال ۲۰۰۵، طرح ایجاد بانک داخلی در سازمان همکاری شانگهای مطرح شد. اکنون این بانک برای تقویت همکاری‌های خود با دیگر بانک‌های مهم اعضای سازمان شانگهای و اجرای طرح‌ها با سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه و چندجانبه تلاش می‌کند (Hansen, 2008: 220). در همین نشست بر امنیت منطقه‌ای و نهادینه‌شدن ساختار ضدتروریسم منطقه‌ای^۱ تأکید شد. این ساختار مسئولیت تأمین امنیت در منطقه آسیای مرکزی و تضمین همکاری‌ها در زمینه‌های نظامی، پلیسی و نیروهای ویژه کشورهای عضو را به عهده داشت.

ساختار مبارزه با تروریسم منطقه‌ای بر هماهنگی عملیات و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای عضو تأکید دارد و برای این عملیات، حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک به وجود می‌آورد (Aris, 2012: 453). در ابتدا این سازمان بر جنگ علیه گروه‌های اویغور^۲ در چین، چین‌ها در روسیه و حزب التحریر و حرکت‌های اسلامی ترکستان در سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان تمرکز کرده بود. همچنین این سازمان ادعای دستگیری پانزده نفر از سران و رهبران این گروه‌های تروریستی را داشت. در ژوئن ۲۰۰۶ شورای تجاری شانگهای ایجاد شد و دبیرخانه آن در مسکو قرار داشت. این شورا شامل رئیس، معاون رئیس و هیئت‌هایی از نمایندگان کشورهای عضو بود. جدا از این تلاش‌ها، سازمان همکاری شانگهای بارها برگزارکننده چند عملیات نظامی که با هدف پاسخ‌گویی به تأمین امنیت فوری در قبال حملات تروریستی مانند مأموریت تأمین صلح ۲۰۰۷، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ بوده است. طرح مأموریت برای تأمین صلح ۲۰۱۰ به میزبانی کشور قزاقستان، موفق‌ترین مأموریت و عملیات سازمان است. در این عملیات پیشرفت‌های زیادی در زمینه همکاری‌های امنیتی میان کشورهای عضو صورت گرفت و مانورهای شبانه و نیز مشارکت بمب‌افکن‌های چینی مشهود بود (Boland, 2011: 12). افزون بر همه این تلاش‌ها و نمود توانایی قدرت سخت، سازمان همکاری شانگهای همواره تلاش کرده است تا بر قدرت نرم خود نیز بیفزاید که در این زمینه می‌توان به تشکیل کمیته‌های ناظران انتخابات در سازمان، کمک‌های ویژه در طول زمین لرزه

1. Regional Anti Terrorism Structure
2. Uighur groups

استان سی‌چوان^۱ در سال ۲۰۰۸ و سیل در پاکستان در سال ۲۰۱۰ اشاره کرد. امروزه سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان سازمانی چندجانبه و قدرتمند در منطقه اوراسیا ظهور پیدا کرده و توجه بین‌المللی را به خود جلب کرده است (Kumar, 2013: 346-347).

عضویت هند در سازمان همکاری شانگهای، فرصت‌ها

راهبرد کلان هند، جهان را به سه دایره متحد‌المركز تقسیم می‌کند. اولین دایره همسایگان نزدیک هند را در بر می‌گیرد که هدف هند، به‌دست‌آوردن موقعیت هژمونی در این حوزه و مقابله با حضور سایر قدرت‌ها در آن تشکیل می‌دهد. دایره دوم، محیط منطقه‌ای است که هند در این محیط در پی ایجاد موازنه در برابر قدرت‌های دیگر و جلوگیری از تضييع منافع خویش به‌وسیله آنان است. در دایره سوم که کل جهان را در بر می‌گیرد، هند در پی به‌دست‌آوردن جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش مهمی در صلح و امنیت بین‌المللی است. براساس راهبرد کلان هند، این کشور هدف‌های خویش را در محیط منطقه‌ای، از راه رشد همگرایی منطقه‌ای و افزایش حضور خود در این منطقه پیگیری می‌کند. حضور هند در سازمان همکاری شانگهای و منطقه آسیای مرکزی در این زمینه قابل بررسی است (توحیدی، ۱۳۹۰: ۲۶۹-۲۶۸). از نظر بیشتر تحلیل‌گران امنیت انرژی، ثبات منطقه‌ای (مبارزه با توسعه افراط‌گرایی و تروریسم)، ارتباط با آمریکا و حفظ تعادل و توازن با دو همسایه نزدیک، چین و پاکستان از علایق ژئوپلیتیکی هند در منطقه دریای خزر به‌ویژه در آسیای مرکزی است (کولایی و ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

هند در سال‌های اخیر روابط خود را با کشورهای منطقه آسیای مرکزی تقویت کرده است. در واقع هند در پی این سیاست و خط‌مشی، تعاملات خود را با کشورهای آسیای مرکزی در سطح دیپلماتیک افزایش داده است. به‌تدریج هند همکاری‌های نظامی را با این کشورها گسترش داد. برای نمونه، هند از سال ۲۰۰۳، با تاجیکستان عملیات مشترک نظامی انجام داده است. همچنین در نوامبر ۲۰۱۰، فرمانده ارتش هند، ژنرال وی کاری سینگ^۲ از تاجیکستان را ملاقات کرد. در این ملاقات، مقام‌های نظامی دو کشور بر افزایش همکاری‌ها در دو بعد امنیتی و نظامی تأکید کردند (Panda, 2013: 112). در سال‌های اخیر همکاری‌های هند و کشورهای منطقه آسیای مرکزی در حوزه‌هایی چون ساختمان‌سازی، پیشرفت و توسعه فناوری، تبادلات

1. Sichuan
2. V. K Singh

دارویی، تبادل اطلاعات پزشکی و بهداشتی و گسترش روحیه کارآفرینی صورت پذیرفته است. با این تلاش‌ها، امروزه هند توانایی سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه‌های مهم منطقه آسیای مرکزی را به دست آورده است (Luzyanin, 2007: 23). اگرچه این همکاری‌ها بستر ایجاد پیشرفت اقتصادی و تأمین امنیت انرژی را برای هند فراهم می‌آورد؛ اما این هدف‌ها در سازمان همکاری شانگهای به صورت جامع‌تر، هماهنگ‌تر و کم‌هزینه‌تر محقق خواهد شد. از این دیدگاه، زمانی که سازمان همکاری شانگهای در ژوئن سال ۲۰۰۱ به شکل رسمی، یادداشت تفاهمی را مبنی بر اینکه کشورهای غیر عضو می‌توانند برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای درخواست دهند را تصویب کرد؛ هند تمایل خود را بر عضویت دائم در این سازمان اعلام کرد. این موضوع به وسیله وزیر امور خارجه هند، اسام کریشنا^۱ با این بیان که «کشور هند با وارد شدن به سازمان همکاری شانگهای نمی‌خواهد فقط به هدف‌های خود و به دست آوردن اعتبار بین‌المللی برسد؛ بلکه این کشور تمایل دارد تا با عضویت دائم در این سازمان وزن ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه‌ای سازمان شانگهای را نیز بالا برد» تأکید شد (Radyuhin, 2012: 12). بنابراین، هند با مشخص کردن جایگاهش در سازمان همکاری شانگهای با هدف دستیابی به منافع خود تلاش می‌کند که به عضویت دائم این سازمان درآید. در ادامه این منافع و فرصت‌ها بررسی می‌شوند.

۱. دستیابی به دروازه منابع و بازارهای اوراسیا

هند دومین کشور پرجمعیت و هشتمین کشور پهناور جهان با ارتش قوی، نیروی انسانی کارآمد، تکنولوژی، صنعت و همچنین قدرتی اتمی و رشد سریع اقتصادی در سال‌های اخیر از نظر بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران در حال پیوستن به جمع قدرت‌های بزرگ است و در مسیر تحقق این مهم، ضرورت دسترسی به ذخایر امن انرژی مهم است (کولایی و ایمانی، ۱۳۹۳: ۱۱۴). این درحالی است که منابع انرژی کافی در این سرزمین وجود ندارد. میزان مصرف انرژی در این کشور، به هیچ‌وجه با ذخایر هیدروکربنی موجود در سرزمین پهناور هند، هم‌خوانی ندارد. هند رتبه بیست‌وپنجم را در زمینه ذخایر گازی و رتبه بیست‌وسوم را در زمینه ذخایر نفت خام در جهان دارد. تنها تولید زغال سنگ این کشور با تأمین ۵۳ درصد انرژی مورد نیاز،

پاسخ‌گوی مصرف بخش‌هایی است که هنوز با این سوخت فسیلی با آلاینده‌گی زیاد کار می‌کنند. مشخص است که با این میزان انرژی، هند نخواهد توانست رشد اقتصادی هفت درصد در سال را برای مدت طولانی حفظ کند (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۴). منافع راهبردی هند در منطقه آسیای مرکزی برآیندی از عوامل اقتصادی و تأمین انرژی مورد نیاز است. براین اساس می‌توان گفت که هدف هند از عضویت در سازمان شانگهای، گسترش تجارت و تأمین نیاز انرژی خود از این منطقه است. با این رویکرد مقام‌های هندی تلاش می‌کنند تا طرح خط لوله گازی ترکمنستان - افغانستان - پاکستان و هند (تاپی)^۱ محقق شود. در این راه این کشور به‌صورت پیاپی توافق‌نامه‌های تأمین امنیت انرژی را با کشورهای آسیای مرکزی مانند قزاقستان امضا کرده است. همچنین میان این دو کشور قراردادهایی مبنی بر عرضه اورانیوم قزاقستان به هند و پنج توافق‌نامه در حوزه‌های همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، تحقیقات فضایی و بخش هیدروکربنی صورت پذیرفته است. باوجود همه این پیشرفت‌ها، همواره هند نیاز دارد تا همکاری‌های خود را در موضوع انرژی با کشورهای منطقه آسیای مرکزی بیش از پیش گسترش دهد. امروزه هند به ۷۰ درصد از واردات نفتی متکی است که این میزان تا سال ۲۰۲۰ به ۸۵ درصد افزایش پیدا می‌کند. هم‌اکنون هند به‌عنوان چهارمین مصرف‌کننده انرژی پس از آمریکا، چین و ژاپن در جهان مطرح است. پیش‌بینی شده است که این کشور در سال ۲۰۲۵ سومین کشور واردکننده نفت خام باشد. از نظر تحلیل‌گران، تأمین امنیت انرژی برای هند اولویت نخست منافع ملی این کشور در ۲۵ سال آینده است (Kaplan, 2011: 8). بنابراین کشورهای منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان نقطه مهم تأمین امنیت انرژی برای هند مطرح هستند.

سه کشور ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان در مجموع تقریباً نزدیک به ۳۰۰ تریلیون مترمکعب گاز و ۹۰ تا ۲۰۰ میلیارد شبکه نفت دارند. همچنین دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان منابع ضروری انرژی برق‌آبی (هیدروالکتریک) منطقه هستند. بنابراین هند می‌خواهد تا با کشورهای روسیه و قزاقستان، به‌عنوان دو کشور تولیدکننده جهانی انرژی خارج از اوپک و از اعضای سازمان شانگهای همکاری کند (Panda, 2013: 111). مقام‌های هندی تلاش می‌کنند تا از ظرفیت سازمان همکاری شانگهای - ضمن تأمین امنیت انرژی خود - و بازارهای

سرمایه‌گذاری و تجاری این منطقه برای فروش محصولات و کالاهای هندی مانند چای، دارو و مواد شیمیایی و غیره بهره‌برداری کنند. سازمان همکاری شانگهای با جمعیتی افزون بر دو میلیارد نفر، امکان فروش خوبی را برای کالاهای هندی فراهم می‌سازد. این کشور از راه عضویت در این سازمان می‌تواند به این امکان اقتصادی دست یابد (آقایی و طاهری، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

۲. تأمین ثبات درازمدت در افغانستان

پس از رویداد ۱۱ سپتامبر، نشست بیشکک مبارزه با تروریسم، جلوگیری از وقوع درگیری‌های نظامی و تأمین امنیت و ثبات در منطقه را از هدف‌ها و برنامه‌های سازمان شانگهای قرار داد (کولایی، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰). راهبرد هند در مورد افغانستان بعد از حمله‌های تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، بر سه محور مشارکت در توسعه اقتصادی، حمایت از دولت مرکزی افغانستان و تلاش برای جلوگیری از برگشت دوباره طالبان به قدرت استوار بوده است. این هدف‌ها فقط با تأمین ثبات درازمدت در افغانستان محقق خواهد شد. هدف هند از این راهبرد جلوگیری از تبدیل شدن افغانستان به عنوان محل امنی برای گروه‌های تندروی اسلام‌گرا و پناهگاه تروریست‌های مخالف هند است (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۸). هند نیز مانند سایر کشورهای منطقه خواستار ایجاد ثبات طولانی مدت در افغانستان است که در این راه تلاش‌های زیادی را انجام داده است. جلوگیری هند به عنوان پنجمین کشور کمک‌کننده بین‌المللی به افغانستان مطرح است. به شکلی که این کشور نزدیک به ۲ میلیارد دلار با هدف بهبود شرایط غیرنظامیان در افغانستان کمک بلاعوض کرده است (آقایی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

همواره مقام‌های هندی نگرانی خود را از احتمال خروج نیروهای آمریکایی و غربی از افغانستان ابراز کرده‌اند؛ زیرا پس از خروج این نیروها از افغانستان، خلأ قدرتی در این منطقه به وجود می‌آید که چین به عنوان رقیب منطقه‌ای هند، خواستار پرکردن این خلأ است. هند تلاش می‌کند تا در رقابت منطقه‌ای با چین از سازوکارهای سازمان همکاری شانگهای برای ایجاد صلح و ثبات در افغانستان استفاده کند. وزیر کشور هند، سنجای سینگ^۱ در دسامبر ۲۰۱۲ گفت: «وضعیت افغانستان به عنوان یک چالش مهم و یک فرصت ایده‌آل برای سازمان همکاری شانگهای است» و بر این مسئله تأکید کرد. همچنین هند می‌خواهد با توسعه همکاری

با زیرمجموعه‌های سازمان شانگهای در حوزه‌هایی مانند ساختار مقابله با تروریسم منطقه‌ای که مقدمه‌ای برای عملیاتی‌شدن راهبرد جهانی سازمان ملل مبنی بر مقابله با تروریسم است، امنیت و ثبات منطقه‌ای خود را به‌دست آورد. ساختار مقابله با تروریسم منطقه‌ای در سازمان شانگهای، مسئولیت جلوگیری از وقوع جرم و جنایت به‌دست گروه‌های تروریستی و پیگیری آن را به عهده دارد و در این زمینه به کشورهای مستعد این فعالیت‌ها، هشدارهای لازم را می‌دهد (Kumar, 2013: 350).

۳. حمایت و پشتیبانی اعضای سازمان همکاری شانگهای از هند

هند با پیوستن به سازمان‌ها و یا گروه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌خواهد که حمایت اکثریت اعضای این سازمان را به‌دست آورد. این مسئله برای سازمان همکاری شانگهای نیز صادق است. پذیرش و عضویت دائم هند در سازمان همکاری شانگهای همواره مورد حمایت روسیه و دیگر کشورهای آسیای مرکزی بوده است. برای نمونه، وزیر امور خارجه روسیه، سرگئی لاوروف^۱ در آوریل ۲۰۱۲، هند را یکی از شرکای فعال سازمان همکاری شانگهای در حوزه‌های تعاملات در باشگاه انرژی، ساختار مبارزه با تروریسم منطقه‌ای، اجرای طرح‌ها، حمل‌ونقل، گسترش فناوری‌های جدید، توسعه کشاورزی، علم و آموزش مطرح کرد. وی تأکید کرد که برای عضویت دائم هند در سازمان همکاری شانگهای مانعی وجود ندارد (Kumar, 2013: 351). قزاقستان و تاجیکستان نیز همواره از عضویت دائم هند در سازمان همکاری شانگهای حمایت کرده‌اند و این عضویت را بسترساز رشد و توسعه هر چه بیشتر این سازمان دانسته‌اند (Baruah, 2003).

شایان توجه اینکه، دلایل محکمی بر پشتیبانی و حمایت روسیه و کشورهای آسیای مرکزی از عضویت هند در سازمان همکاری شانگهای وجود دارد. هند روابط تاریخی طولانی‌مدتی با کشورهای منطقه اوراسیا داشته که این مسئله امروزه در روابط دوجانبه هند با روسیه و کشورهای آسیای مرکزی مشهود است. ظهور هند به‌عنوان یک قدرت بزرگ در آسیا و موازنه‌گری بالقوه برای چین در سازمان همکاری شانگهای، این فرصت را به کشورهای روسیه و آسیای مرکزی می‌دهد تا از عضویت دائم هند در سازمان همکاری شانگهای استقبال کنند.

1. Sergi Lavrov

روسیه، هند را شریکی راهبردی در منطقه آسیا می‌داند که می‌تواند به‌عنوان متحدی طبیعی در سازمان همکاری شانگهای به نفع روسیه عمل کند. همچنین این کشور یکی از خطوط مهم بازارهای منابع انرژی منطقه اوراسیا است. بنابراین، حمایت کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای عاملی است برای تقویت نقش منطقه‌ای و جهانی هند که در صورت عضویت دائم در این سازمان به‌دست می‌آید (Starchak, 2011: 126-127).

۴. اولویت‌ها و هدف‌های دیگر

موقعیت استراتژیک، منابع انرژی، رقابت برای تعیین خطوط انتقال انرژی و حضور مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی کافی است تا بسیاری از تحلیل‌گران را متقاعد کند که بازی بزرگ جدیدی در منطقه آسیای مرکزی شروع شده است و کشوری مانند هند (با استفاده از اهرم سازمان شانگهای) نیز نمی‌خواهد از این مجموعه جا بماند (کولایی و تیشه‌پار، ۱۳۸۹: ۱۲۶). سازمان همکاری شانگهای عرصه‌ای است که هند می‌تواند به‌شکل سازنده با چین و پاکستان، دو رقیب منطقه‌ای خود به گفت‌وگو و تعامل بپردازد و منافع منطقه‌ای خود را در آسیا تأمین کند. در نهمین نشست سازمان همکاری شانگهای که در یکاترینبورگ^۱ روسیه در ژوئن ۲۰۰۹ برگزار شد، فرصتی برای نخست‌وزیر هند مان‌موهان سینگ^۲ فراهم شد تا با رئیس‌جمهور پاکستان، آصف علی زرداری^۳ در مورد مسائل مهم و اختلاف‌های مهم میان دو کشور به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازند. این گفت‌وگو برای رهبران دو کشور فرصتی را ایجاد کرد تا مسائل امنیتی خود را در قالب گفت‌وگوهای دوجانبه در سازمان همکاری شانگهای مورد تبادل نظر قرار دهند و راه‌های حل اختلاف‌ها را بررسی کنند (Khan, 2013: 73). هند نیز مانند کشورهای منطقه آسیای مرکزی قربانی تروریسم است و امیدوار است تا با همکاری سازمان شانگهای بتواند با افراط‌گرایی و تروریسم و پیامدهای آن مقابله کند. عضویت کامل هند در سازمان همکاری شانگهای زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا این کشور روابط نزدیکی با دو عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل یعنی روسیه و چین برقرار کند که این روابط، زمینه‌ساز رسیدن به منافع مشترک منطقه‌ای و جهانی خواهد بود (Kumar, 2013: 352).

1. Yekaterinburg
2. Monmohan Singh
3. Asif Ali Zardari

چالش‌های عضویت هند در سازمان همکاری شانگهای

اگرچه منافع زیادی برای عضویت دائم هند در سازمان همکاری شانگهای برشمرده می‌شود؛ اما در این راه مشکلات و چالش‌های چندی نیز پیش روی هند وجود دارد که در ادامه بررسی می‌شود:

۱. مخالفت برخی از اعضای سازمان همکاری شانگهای با گسترش سازمان

سه کشور هند، ایران و پاکستان برای عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای تمایل زیادی نشان داده‌اند؛ اما هم‌اکنون دیدگاه‌های متفاوتی در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای در مورد پذیرش و عضویت دائم کشورها در این سازمان وجود دارد. برای نمونه، مقام‌های چینی معتقدند که گسترش سازمان همکاری شانگهای اجتناب‌ناپذیر است؛ اما با رویکرد تدریجی و احتیاطی باید به آن نگرست. از نظر آنان، عضویت اعضای جدید در سازمان باید با روش گام‌به‌گام (عضویت ناظر، شریک گفت‌وگو و سرانجام عضویت دائم) انجام شود. نتیجه این دیدگاه این است که کشورهای مستعد باید آمادگی سیاسی، قانونی و فنی برای عضویت در این سازمان را به دست آورند که این مسئله کاری بلندمدت است (Roy, 2012: 647).

دیگر اعضای سازمان مانند ازبکستان از اظهارنظر رسمی مبنی بر تمایل بر گسترش و عضویت اعضای جدید در سازمان خودداری می‌کند. نظر مقام‌های قرقیزستان این است که سازمان قبل از هر چیز باید بر گسترش روابط جاری میان کشورها و حل مشکلات موجود در سازمان میان اعضا اقدام کند (Krishna, 2012: 15). اگرچه تاجیکستان در میان اعضای دیگر سازمان نسبت به پذیرش اعضای جدید تمایل بیشتری نشان داده است و با بیان اینکه در آینده از پذیرش دو کشور ایران و هند حمایت می‌کند، ولی این کشور نیز شرایطی مانند پیشرفت اقتصادی و حل مشکلات امنیتی را ویژگی‌هایی برای عضویت جدید در نظر دارد (Kundu, 2009: 7). کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از رقابت دو کشور هند و پاکستان که هر دو از اعضای ناظر این سازمان هستند، احساس نگرانی می‌کنند. از نظر آنان ممکن است که سایه این رقابت به رشد و گسترش سازمان زیان برساند و مانع تحقق هدف‌های سازمان همکاری شانگهای شود.

روسیه تنها کشوری است که به شدت از گسترش اعضای سازمان شانگهای استقبال می‌کند. از نظر مقام‌های روسی، گسترش و پذیرش اعضای جدید در سازمان، سبب تقویت منابع مالی سازمان می‌شود. به نظر آنان اینک سازمان همکاری شانگهای با بودجه‌ای کمتر از ۴ میلیون دلار نمی‌تواند سازمان را به هدف‌ها و برنامه‌هایش برساند (Kumar, 2013: 353). بنابراین کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، نظریات واحدی نسبت به پذیرش اعضا و گسترش سازمان ندارند که این مسئله نگرانی و چالشی برای هند است.

۲. رقابت هند با چین و پاکستان و تأثیر آن بر عضویت دائم هند در شانگهای

دو کشور چین و روسیه همواره تمایل خود را برای عضویت دائم پاکستان در سازمان همکاری شانگهای بیان کرده‌اند. عضویت دائم پاکستان در این سازمان همانند هند فرصتی را برای این کشور فراهم می‌کند تا روابط امنیتی، دفاعی و اقتصادی خود را با چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی گسترش دهد. بنابراین دو کشور هند و پاکستان از عضویت دائم در سازمان شانگهای سود می‌برند و تمایل دارند تا به زودی به عضویت این سازمان درآیند. اگرچه، هر دو کشور از اعلام موضع رسمی مبنی بر مخالفت خود با نامزدی کشور دیگر در سازمان خودداری می‌کنند، اما هر دو نسبت به نقش دیگری در سازمان همکاری شانگهای نگران هستند.

شایان توجه اینکه، همواره چین می‌خواهد تا با استفاده از عامل پاکستان با وزن راهبردی و ژئوپلیتیکی هند در منطقه و سازمان همکاری شانگهای مقابله کند. چین و پاکستان همواره روابط مثبت بلندمدتی با یکدیگر دارند. چین پیشتر حمایت کامل خود را از پاکستان در زمان‌های مختلف که تهدیدی برای منافع هند بود، اعلام کرده است. برای نمونه، پکن خود را یک شبهه‌متحد^۱ اسلام‌آباد در توسعه سلاح‌های هسته‌ای و فناوری موشکی می‌داند. این کشور همچنین به‌عنوان اولین کشور عرضه‌کننده تسلیحات و تجهیزات نظامی به پاکستان مطرح است و هنوز هم به‌عنوان پشتیبان و حامی توان دفاعی پاکستان شناخته می‌شود. حتی این کشور در زمان به‌کارگیری تحریم آمریکا علیه پاکستان در سال ۱۹۹۸ عرضه تسلیحات نظامی خود را به این کشور ادامه داد و همکاری‌هایش را در زمینه آموزش کارکنان نظامی و عملیات مشترک

نظامی و اطلاعاتی با این کشور گسترش داد (Naseer and Amin, 2011: 3). در سال ۲۰۰۶ چین تجهیزات فناوری هسته‌ای را به پاکستان عرضه کرد و مقررات و دستورالعمل کشورهای عضو گروه عرضه‌کننده تجهیزات و فناوری هسته‌ای^۱ را نادیده گرفت. پس از پایان توافق‌نامه هسته‌ای هند و آمریکا، مقام‌های چینی بر امضای توافق‌نامه مشابه با پاکستان تأکید کردند (Dutta, 2011: 35). همچنین چین نقش پاکستان در رویدادهای سال ۲۰۰۸ بمبئی را محکوم نکرد و مقام‌های این کشور با تلاش‌های سازمان ملل مبنی بر تحریم افراط‌گرایان پاکستانی به نام لشکر طیبه^۲ و رئیس آن حافظ سعید^۳ مخالفت کردند (Khan, 2013: 69).

با این وجود، چین در همه حال برای پاکستان شریکی راهبردی بوده است. این مسئله برای هند در منطقه عاملی چالش‌برانگیز است. پاکستان از حمایت روسیه نیز برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای برخوردار است. در این مورد می‌توان به تلاش‌های اسلام‌آباد برای دستیابی مسکو به عضویت ناظر در سازمان همکاری‌های اسلامی^۴ اشاره کرد که مقام‌های روسی در پاسخ به این مسئله گفتند که این تلاش‌ها را در سازمان همکاری شانگهای جبران خواهند کرد (Zeb, 2006: 55). پاکستان می‌خواهد تا با عضویت در سازمان همکاری شانگهای و مشارکت فعال در مسایل منطقه، ضمن تأمین امنیت و ثبات از گسترش حمل‌ونقل و ایجاد راهروهای جدید انرژی بهره‌بردار. همچنین روابطش را با کشورهای روسیه، چین، آسیای مرکزی، ایران و افغانستان تقویت کند (Khan, 2013: 70).

شایان توجه اینکه سیاست خارجی هند نسبت به منطقه آسیای مرکزی همواره تحت تأثیر دو کشور چین و پاکستان بوده است. امروزه هند با چالش مقابله با نفوذ چین که قدرت و منافع این کشور را در منطقه آسیای مرکزی نفی می‌کند، در حال مقابله است. اگرچه به نظر می‌رسد که پکن و دهلی‌نو در حوزه‌هایی مانند مقابله با افراط‌گرایی اسلامی و خطوط تروریسم در آسیای مرکزی هدف‌های مشترک امنیتی دارند؛ اما در ارتباط با مسائل اقتصادی و حفظ منابع انرژی در این منطقه با یکدیگر در تقابل هستند (Panda, 2013: 111). دو کشور هند و چین رویکردهای متفاوتی را در سازمان همکاری شانگهای در دستورکار قرار داده‌اند، به‌شکلی که پکن بر همکاری‌های چندجانبه با کشورهای آسیای مرکزی تأکید دارد، ولی

-
1. Nuclear Suppliers Group
 2. Lashkare-e-Taiba
 3. Hafiz Saeed
 4. Organization of the Islamic Cooperation

مقام‌های دهلی‌نو بر همکاری‌های دوجانبه با این کشورها اشاره می‌کنند. همچنین، چین از حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی نگران است، در صورتی که هند به‌عنوان شریک راهبردی آمریکا در منطقه آسیای جنوبی و مرکزی، حضور نظامی آمریکا را تأمین‌کننده هدف‌های خود در این منطقه می‌داند (Kumar, 2013: 355).

نتیجه

از آغاز شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱، هند درخواست عضویت دائم در این سازمان را مطرح کرده است. دلایل و انگیزه‌هایی سبب تلاش هند برای عضویت در شانگهای شده است که می‌توان آن‌ها را در قالب راهبردی، سیاسی^۵ امنیتی و اقتصادی به‌عنوان یک فرصت مورد توجه قرار داد (آقایی و طاهری، ۱۳۹۲: ۱۳۵). جهت‌گیری راهبردی هند در عرصه نظام بین‌الملل کنونی، تبدیل‌شدن به یک بازیگر مهم در قرن بیست‌ویکم است. تلاش هند برای ورود در گروه‌بندی‌های مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تلاش برای به‌دست‌آوردن عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد بدون داشتن حق و تو در همین زمینه قابل ارزیابی است. از زاویه رویکرد راهبردی سیاست خارجی هند، به‌شکل دقیق‌تر باید گفت که نفع اصلی هند در انرژی آسیای مرکزی، کاهش نفوذ پاکستان و افزایش نقش و تغییر جایگاه خود در این منطقه است. نگاه هند به عضویت در سازمان همکاری شانگهای متأثر از نگاه مثبت موجود میان جمهوری‌های آسیای مرکزی به هند برای فعالیت در منطقه است. هند بیش از هر چیز با عضویت در سازمان همکاری شانگهای به‌دنبال تأمین انرژی از جمهوری آسیای مرکزی و محدودشدن نقاط ناامن منطقه به پاکستان و افغانستان است. همچنین حضور هند در سازمان همکاری شانگهای سبب می‌شود تا هند در باشگاهی عضو شود که دو قدرت مهم قرن بیست و یکم یعنی چین و روسیه از اعضای اصلی آن هستند. از آنجا که رشد اقتصادی هند از رشدهای اقتصادی پایدار در جهان است؛ این کشور به‌دلیل نیاز شدید به منابع انرژی و مشروعیت سیاسی منطقه‌ای، حضور در شانگهای را در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشور خویش ارزیابی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸۲-۱۸۱). همواره بر سر راه عضویت دائم هند در سازمان همکاری شانگهای چالش‌هایی وجود دارد که در این نوشتار با سه عنوان خودداری برخی از اعضای سازمان بر پذیرش عضویت جدید در سازمان و عواملی مانند پاکستان و چین به آن‌ها اشاره شد. این مسائل مقام‌های هندی را بر آن داشته تا برای رفع این موانع تلاش کنند.

منابع

فارسی

۱. آقای، سیدداود و سیدمحمود حسینی (۱۳۹۱)، «چشم‌انداز قدرت نرم هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره ۴، صص. ۱۹۹-۲۲۸.
۲. آقای، سیدداود و ابراهیم طاهری (۱۳۹۲)، «هند و شانگهای»، *سیاست*، دوره چهل و سوم، شماره ۴، صص. ۱۳۵-۱۴۵.
۳. بزرگی، وحید و میرعبدالله حسینی (۱۳۸۹)، «سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال سوم، شماره ۷، صص. ۱-۲۷.
۴. توحیدی، زهرا (۱۳۹۰)، «اهداف هند و پاکستان در سازمان همکاری شانگهای»، *پژوهشنامه سیاست خارجی*، شماره ۳۰، صص. ۲۸۲-۲۶۱.
۵. شفیع، نوذر و دیگر نویسندگان (۱۳۹۱)، «رویکرد هند در قبال افغانستان پس از سپتامبر ۲۰۰۱ (با نگاه به ایران)»، *ژئوپلیتیک*، سال هشتم، شماره ۲، صص. ۱۵۲-۱۲۵.
۶. طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگهای»، *راهبرد*، سال بیستم، شماره ۶، صص. ۱۶۹-۱۹۱.
۷. کولایی، الهه (۱۳۸۵)، «سازمان شانگهای و امنیت آسیای مرکزی»، *پژوهش‌های علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۳، صص. ۲۹-۴۶.
۸. کولایی، الهه و مسعود ایمانی (۱۳۹۳)، «سیاست انرژی هند در منطقه دریای خزر؛ مرور انتقادی»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، سال اول، شماره ۲، صص. ۱۱۳-۱۳۶.

۹. کولایی، الهه و ماندانا تیشه‌یار (۱۳۸۹)، «مطالعات تطبیقی رهیافت امنیت انرژی چین و ژاپن در آسیای مرکزی»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۷۱، صص ۱۴۰-۱۲۳.

۱۰. کولایی، الهه و ماندانا تیشه‌یار (۱۳۹۰)، «بررسی نظری رهیافت امنیت انرژی هند در آسیای مرکزی»، روابط خارجی، سال سوم، شماره ۲، صص. ۱۸۴-۱۶۱.

۱۱. لین، ایان مک (۱۳۸۷)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر میزان.

ب) انگلیسی

1. Aris, Stephen (2012), The Response of the Shanghai Cooperation Organization to the Crisis in Kyrgyzstan , **Civil Wars**, Vol. 14, No. 3, pp. 57-482.
2. Brr uhh, mm (2003), Ind,, Tajkssnnnoo Set up JWG on Counter-Terrorism,, **The Hindu**, nn lnn ddoooo of Ind s aa oooall Newspaper, Available at: <http://www.thehindu.com/2003/11/15/stories/2003111502361100.htm>, (Accessed on: 7/10/2015).
3. Boland, Julie (2011), Ten Years of SCO: A Lost Decade? A Partner for the US? , **Brooking Institutions Policy Paper**, pp. 1-62.
4. Dutta, Sujit (2011), China in SAARC? To What Effect?., **Strategic Analysis**, Vol. 35, No. 1, pp. 493-501.
5. Hansen, Flemming Splidsboel (2008), The Shanghai Co-operation Organization , **Asian Affairs**, Vol. 39, No. 1, pp. 119-229.
6. Kaplan, Robert D. (2011), **Monsoon: The Indian Ocean and The Future of American Power**, New York: Randon House Trade.
7. Khan, Zahid Ali (2013), Pakistan and Shanghai Cooperation Organization , **IPRI Journal**, Vol.13, No. 1, pp. 57-76.
8. Koolae, Elaheh and Mandana Tishehyar (2013), An Outlook on Energy Cooperation Approaches in the Shanghai Cooperation Organization (SCO) Region , **Geopolitics Quarterly**, Vol. 8, No. 4, pp. 41-71.
9. rr sshn,, Ananth (2012), bb srrvrr Counrr Must Work Hard for SCO Membership, Says Chnn , **The Hindu**, Online edition of India's National Newspaper, Available at: <http://www.thehindu.com/news/international/observer-countries-must-work->

- hard-for-sco-membership-says-china/article3449100.ece (Accessed on: 7/10/2015).
10. Kumar, S.Y. Surendra (2013), India and the Shanghai Cooperation Organization: Issues and Concerns , **International Journal of China Studies**, Vol. 4, No. 3, pp. 343-359.
 11. uu ndu, ii vdd (2009), Ind Should Give a Closer look to The Shanghai Cooprrooon rr ganooooo, **Indian Council of World Affairs-Policy Brief**, pp. 1-10, Available at: <http://www.icwa.in/pdfs/indiashang.pdf>, (Accessed on: 11/9/2014).
 12. Luzyanin, Sergey (2007), Central Asia in Trilateral Cooperation: Regional Potential and Resources of SCO , **China Report**, Vol. 43, No. 2, pp. 237-243.
 13. Matveeva, Anna and Antonio Giustozzi (2008), The SCO: A Regional Organization in the Making , **Crises State Working Papers Series**, No. 2, pp. 1-30.
 14. Naseer, Rizwan and Musarat Amin (2011), Sino-Pakistan Relations: A Natural Alliance against Common Threats , **Berkeley Journal of Social Sciences**, Vol. 1, No. 2, pp. 1-11.
 15. Norling, Nicklas and Niklas Swanstrom (2007), The Shanghai Cooperation Transition, Trade and the Roles of Iran, India and Pakistan , **Central Asian Survey**, Vol. 26, No. 3, pp. 429-444.
 16. Panda, Jagannath P. (2013), India s New Look at Central Asia Policy: A Strategic Review , in Laruelle, Marlene and Sebastien Peyrouse (eds), **Mapping Central Asia: Indian Perception and Strategic**, London: Ashgate.
 17. Roy, Meena Singh (2012), India s Option in the Shanghai Cooperation Organization , **Strategic Analysis**, Vol. 36, No. 4, pp. 645-650.
 18. Ruggie, John Gerard (1993), **Multilateralism Matters: The Theory and Praxis of an Institutional Form**, New York: Columbia University Press.
 19. Starchak, Maxim (2011), The Shanghai Cooperation Organization: Opportunities for Russia , **Central Asia and the Caucasus**, Vol. 12, Issue 2, pp. 126-135.
 20. Swanstrom, Niklas (2008), Shanghai Cooperation Organization and the Aftermath of the Russian Invasion of Georgia , **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 6, No. 3, pp. 3-7.
 21. Yuan, Jing-Dong (2010), China s Role in Establishing and Building the Shanghai Cooperation Organization (SCO) , **Journal of Contemporary China**, Vol. 19, No. 6, pp. 855-869.
 22. Zeb, Rizwan (2006), Pakistan and the Shanghai Cooperation Organization , **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 4, No. 4, pp. 51-60.